

نقش قالی در آیین‌های سوگواری خراسان

اکرم نوری^۱، فاطمه کاتب^۲

چکیده

آیین‌ها و رسوم همواره از عقاید، فرهنگ و تاریخ ریشه می‌گیرند، مانند آیین‌های سوگواری که از عقاید کهن بر می‌خیزند. یکی از سنت‌های سوگواری در خراسان، پهن کردن قالی بر روی قبر است که هنگام جمع آمدن افراد بر گرد قبر متوفی و در روزهای مناسبتی انجام می‌شود. قالی نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین هنرهای سنتی ایران، وجه دیگر این آیین است که بر اهمیت آن می‌افزاید. محور و هدف این پژوهش، مفهوم قالی بر روی قبر در سوگواری‌های خراسان است و این سؤالات مطرح می‌شوند که معنا و مفهوم این سنت چیست؟ و قالی بر روی قبر چه مفهومی را به ذهن می‌رساند؟ این پژوهش به روش توصیفی و تاریخی انجام شده که اطلاعات آن از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مصاحبه با افراد سالخورده و آگاه به این سنت، گردآوری شده است. قالی که نمادهای تصویری بسیاری را در خود جای داده است در این آیین، خود به نماد تبدیل می‌شود. در این پژوهش این یافته و نتیجه حاصل می‌شود که قالی بر روی قبر در آیین‌های سوگواری خراسان، نماد خانهٔ جدید و ابدی انسان است. خانه‌ای که انسان در آن برای آخرین بار با دوستان و آشنایان خود وداع می‌کند.

واژگان کلیدی: آیین سوگواری، رسوم خراسان، قالی، نماد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۷

noory 14018@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا تهران

nfkuteb@gmail.cim

۲. استاد گروه پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا تهران

مقدمه

در هر کشوری بسته به تاریخ، فرهنگ و مذهب، عقاید و سننی وجود دارند که آیین‌ها و رسوم را شکل می‌دهند. آیین‌های سوگواری پس از مرگ از معروفترین این رسوم است. در ایران نیز این آیین‌ها در طوایف و اقوام به صورت متنوع و گوناگون مشاهده می‌شوند که بیشتر آن‌ها مربوط به دوران کهن ایران و قبل از ورود اسلام است و همواره مورد احترام مردم این سرزمین بوده است.

خراسان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین مناطق کشور، طیف گسترده‌ای از این رسوم را دارد، مانند آیین چراغ برات^۱ که یادگاری از دوران باستانی ایران است و همچنان در خراسان پابرجاست. از دیگر رسوم قدیم ایرانیان و خراسانی‌ها سنت پذیرایی بر سر قبر است. اما نکته‌ی حائز اهمیت که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، پهن کردن قالی دستباف بر روی قبر است. قالی بر سر گور از سنن قدیمی مردم خراسان است. البته ناگفته نماند که پهن کردن پارچه یا روی انداز بر قبر در دیگر مناطق ایران نیز وجود دارد اما آن چه در این خطه از کشور مهم می‌نماید قالی و اهمیت قالی بودن این روی انداز نزد مردمان آن است. آن چه در این پژوهش بررسی می‌شود نقش مفهومی قالی بر سر قبر به عنوان یک سنت قدیمی خراسان است و همچنین این نکات نیز مطالعه می‌شوند که آیا پهن کردن قالی بر قبر، نقشی کاربردی داشته یا مفهومی یا نمادین؟ و مفاهیم و معانی این عمل نمادین چیست؟

۳. مردم خراسان در نیمه ماه شعبان هر سال با برگزاری مراسم مذهبی ویژه‌ای با عنوان «چراغ برات» یاد و خاطره عزیزان از دست رفته را گرامی می‌دارند و به یاد مردگان خیرات می‌کنند. از بعدازظهر روز ۱۲ شعبان به مدت ۳ روز مردم با حضور بر مزار درگذشتگان تا غروب آفتاب در آن مکان می‌مانند و انواع خوراکی‌ها از قبیل خرما، شیرینی، شربت یا میوه در تابستان و در فصل زمستان با جای، نان‌های محلی، آش رشته، گردو، برگه زردآلو، توت خشک و... را بر سر مزار درگذشتگان می‌چینند و از افرادی که برای قرائت فاتحه بر سر مزار حضور پیدا می‌کنند، پذیرایی می‌شود. (سیدی، ۱۳۷۴، ص. ۸).

این تحقیق به شیوه توصیفی و تاریخی و با روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و اینترنتی و بیشتر در قالب مصاحبه با افراد سالخورده و آگاه به سنت پهن کردن قالی بر سر قبر در آیین های سوگواری خراسان، انجام می گیرد. نگارندگان ابتدا به آیین های سوگواری و اهمیت و چگونگی آن در خراسان می پردازند و سپس نقش قالی در فرهنگ و بعد از آن مفهوم قالی بر سر قبر را واکاوی و تفسیر می کنند.

پیشینه تحقیق

در خصوص آیین های سوگواری و رسوم مربوط به آن ها در رشته های متفاوت چون ادبیات، باستان شناسی و الهیات پژوهش ها و تألیفات زیادی انجام گرفته است که می توان برای مثال به موارد زیر اشاره کرد:

- "ریشه شناسی سه روز مراسم سوگواری در ایران قرون نخست هجری" نوشته تهمینه رییس السادات: این مقاله به آیین ها و رسوم مراسم سوگواری چون تدفین، عزاداری و پذیرایی در سه روز نخست پس از فوت در قرون اولیه هجری در ایران می پردازد.
- "مرگ و مراسم تدفین در دین مزدایی" تألیف علی مهدی زاده: آن چه در این مقاله بحث می شود آیین و رسوم تدفین جسد و مراسم سوگواری در ایران دوران کهن و باستان است.
- "تداوم برخی آیین های کهن سوگواری در ایران امروز" نگارش ملیحه کرباسیان: نویسنده در این تحقیق به ادامه و زنده ماندن برخی از آیین های سوگواری در ایران از دوران کهن و باستان می پردازد.

اما در ارتباط با آیین های سوگواری و رشته های هنری، بطور متمرکز و مخصوص تحقیقی صورت نگرفته و این موضوع مهجور مانده است. لذا با توجه به اهمیت این نکته که قالی به عنوان هنری قدیمی و ایرانی در آیین های سوگواری در خراسان دارای مفهوم و معنا است، نویسنده به بررسی آن پرداخته است.

آیین های سوگواری

از آغاز تاریخ بشر، انسان همواره سعی در پیدا کردن جواب سؤالات خود داشته است. از بزرگترین پرسش های بشر که همواره در پی جواب آن بوده حقیقت مرگ است که به راستی مرگ چیست و سرنوشت انسان پس از مرگ چگونه است؟ بشر در پاسخ به این سؤالات، اساس بسیاری از عقاید خود را بنیان نهاد. میل فطری انسان به جاودانه ماندن و ظهور ادیان و مکاتب بسیار، اندیشه ای پیش روی او قرار داد که مرگ پایان زندگی نیست. معابد و مقابر بزرگ که در طول تاریخ ساخته شدند گواهی بر این امید انسان است که دنیای جاودان پس از مرگ در انتظار اوست و خوشی و ناخوشی در آن در گرو زندگی این دنیاست پس او باید خود را برای آن آماده کند و بازماندگان نیز برای ادامه زندگی او در جهانی دیگر با نذورات و خیرات و همراه کردن وسایل اولیه زندگی در قبر وی به او کمک می کنند. با گذشت زمان، اندیشه بشر رشد و اعتلا یافت و در صورت های گوناگون رخ نمود، ادیان و مذاهب بسیاری به وجود آمدند که به تبع، آیین ها و رسوم نیز بیشتر و متفاوت تر شدند. از مهم ترین این آداب، آیین های سوگواری پس از مرگ است.

آیین های سوگواری با مراسم تشییع و تدفین آغاز می شود که در بیشتر اقوام دنیا به دو حالت سوزاندن جسد و تدفین در خاک صورت می گرفته است. در فلات ایران در هنگام ورود اقوام آریایی که تاریخ آغاز تمدن در ایران تقریبا با ورود آن ها همراه است، رسم به

خاک سپردن مردگان معمول بوده است (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۳۵۹). همچنین کشف تابوت هایی تاریخی مربوط به ۲۲۰۰ ق. م در منطقه ی باستانی شوش بر رسم تدفین اجساد در ایران باستان قبل از ظهور زرتشت، تأکید دارد (چایچی و سعیدی، ۱۳۸۱: ۴۷). پس از رواج دین زرتشت، تدفین اجساد مردگان در زیر زمین منع شد چرا که جسد بدون روح، ناپاک قلمداد می شد و نباید زمین پاک و بی آلاشت، آلوده می شد.



تصویر ۱. پذیرایی بر سر قبر با خوراکی های مرسوم، منبع: <http://www.nasimeqaen.ir>

طبق دستوره‌های دینی جسدها را در برابر حیوانات مردارخوار چون لاشخورها بر فراز کوه‌ها قرار می‌دادند تا علاوه بر استفاده حیوانات از گوشت اجساد، زمین پاک نیز از آلوده شدن حفظ شود، سپس استخوان‌های به جای مانده توسط افرادی مشخص که شغل آن‌ها همین کار تعریف می‌شد در کوزه یا صندوقی قرار می‌گرفت و در شکاف‌ها و درزهای کوه مدفون می‌کردند (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۳۱۰). ولی سوزاندن اجساد در ایران، جز در مواردی محدود و اندک وجود نداشته است. پس از تدفین، مراسم خاصی برگزار می‌شد که پذیرایی از مهمان‌ها برای یادبود و آمرزش روح مرده، رسم مشترک همه اقوام در سرزمین‌های متفاوت است. آن‌چه امروزه در ایران وجود دارد در حقیقت از دوران کهن و آیین‌های باستانی و عقاید زرتشتی ریشه می‌گیرد که با نگرش‌های اسلامی در هم آمیخته است.

در میان ایرانیان از گذشته تا امروز رسم بر این است که پس از روز تدفین تا سه روز برای آرامش و شادمانی روح متوفی، نذورات و خیرات میان مستمندان تقسیم می‌کنند و اقوام و دوستان به خانه متوفی می‌روند و با بازماندگان ابراز همدردی می‌کنند. در روز سوم بر سر قبر جمع می‌شوند و با قرار دادن حلوا، خرما، شمع و دیگر خوراکی‌های مرسوم بر روی سنگ قبر و عزاداری و گریه سر دادن، آیین سوگواری را برگزار می‌کنند (تصویر ۱). خرما و حلوا بر سر قبر جزء لاینفک پذیرایی از عزاداران در آیین‌های سوگواری است که حتی آن‌ها نیز ریشه در تاریخ باستانی دارند و نمادی از غذای ارواح اند که ریشه آن به آیین‌های سوگواری در بین‌النهرین می‌رسد، بنابر باورها خرما به روان درگذشته نیرو می‌بخشد تا مسیر طولانی وادی مردگان را بییماید. حلوا نیز خوراکی است از گندم که میان ایرانیان دارای احترام است و نماد برکت و روزی انسان هاست که همچنین با غلبه روح بر پلشتی مرگ در ارتباط است و در دین زرتشت نیز جزء اقلامی

است که بر مردگان تقدیم می شد. این رسم با تمام جزئیات خود در روزهای هفتم، چهلم و اولین سالگرد نیز به همین شکل برگزار می شود. البته در برخی از مناطق ایران روزهای دیگری هم مراسم برپا می شود در تمام این روزها (روز سوم، هفتم، چهلم و اولین سالگرد) گرد هم آمدن بر سر قبر قبل از غروب خورشید و در هنگام ظهر نیز به عنوان سنتی پایدار، ریشه در عقاید زرتشتیان دارد: «از موارد مهم در آداب تشیع و تدفین، قرار دادن جسد در زیر نور آفتاب است که در همان نور آفتاب نیز استودان^۱ تدفین می کردند» (کرباسیان، ۱۳۸۴: ۱۸۱). اعداد سه، هفت و چهل ریشه در عقاید و رسوم ایرانیان در قبل از ورود اسلام دارد:

بر اساس عقاید و متون مذهبی زرتشتیان روح متوفی پس از مرگ تا سه روز بر بالین جسد خویش نزدیک سر می نشیند و در انتظار است تا به آسمان سفر کند و از پل چینود^۲ بگذرد و بر اساس زندگانی خود مورد داوری قرار گیرد، بدین ترتیب بازماندگان نیز سه روز عزاداری می کنند «... زرتشتیان در روز سوم درگذشت فرد، مجلس ترحیمی برپا می کردند که به آن پرسه می گویند» (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۳۵۹). منداییان^۳ نیز بر این باورند که روح پس از مرگ سه روز میان عالم مادی و جهان ارواح سرگردان است و سه روز در آسمان ها سفر می کند تا در هفتمین روز به آخرین آسمان می رسد، در طی این روزها،

۴. استودان یا ستودان که از دو بخش استو- (هسته: استخوان) و -دان (جایگاه) تشکیل شده است به معنی "جایگاه نگهداری استخوان" است. این جایگاهها که در دین مزدیسنا بخشی از آیین مردگان شمرده میشدهاستخوان مردگان را پس از پوسیدن یا خورده شدن اجزاء غیر استخوانی لاشه توسط لاشخورها در "دخمه" بدانجا انتقال داده و در آنها نگه میداشته اند (<https://fa.wikipedia.org>).

۵. پل صراط به اعتقاد زرتشتیان، به موجب روایات زرتشتی، یک سوی این پل بر روی قله ی داییتی است که نزدیک رودی است به همین نام و در ایران ویج واقع است، و سوی دیگرش بر کوه البرز قرار دارد، در زیر پل، در حد میانه های آن دروازه ی دوزخ است به اعتقاد عامه ی زرتشتی ها این پل در هنگام عبور نیکان و خاصان به قدر کافی گشاده و عریض میشود، و در موقع عبور بدکاران تا به اندازه ی لبه ی تیغی باریک میگردد، و از این رو روح بدکار از آنجا بدون دوزخ می افتد (<http://www.vajehyab.com>).

۶. منداییان پیروان یحیای تعمید دهنده و یکی از اقلیت های مذهبی ایران، عراق و سوریه هستند. منداییان با نام صابین نیز شناخته می شوند، کیش مندایی در شمار مکتب های گنوسی می باشد. اصلی ترین رکن دینی آنها غسل تعمید در روزهای یکشنبه در آب روان است. منداییان در کناره های رودخانه های دجله، فرات و کارون زندگی می کنند (<https://fa.wikipedia.org>).

بازماندگان بزرگداشتی برای او برپا می‌کنند و در آن برای مساکین طعام فراهم می‌کنند، نظیر چنین باوری در آیین مهر نیز دیده می‌شود (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۷۴ و ۲۸۴). بدین ترتیب ایرانیان امروزه نیز از تدفین تا روز سوم به عزاداری و مهمانی دادن می‌پردازند و در روز هفتم این عزاداری و مهمانی را تکرار می‌کنند.

قوم دیگری که در فلات ایران می‌زیستند سکاها^۱ بودند که بر نوع نگرش و آداب و رسوم مردم این سرزمین تأثیرات زیادی گذاشتند. آن‌ها جسد متوفی را مومیایی می‌کردند و طی چهل روز سوار بر روی ارابه‌ای به نزد یک‌یک دوستان و آشنایان می‌بردند که همه با او وداع کنند. در روز چهارم مرده را به محل تدفین می‌بردند و در مراسمی ویژه به خاک می‌سپردند (کرباسیان، ۱۳۸۴، ۱۸۲). مفهوم این چهل روز طی قرن‌ها تغییر کرد و امروزه تحت مبانی اسلامی دارای معانی دیگری است. اربعین (چهلمین روز) ریشه در قرآن کریم دارد و آن اشاره به داستان میعاد خداوند و حضرت موسی (ع) پس از چهل روز است همچنین پیامبر اسلام (ص) به ابوذر چنین فرمودند: هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود زمین تا چهل روز بر فقدان او گریان است (آیتی، ۱۳۹۵). یا مراسم اربعین امام حسین (ع) که نزد مسلمانان خاصه شیعیان بسیار دارای اهمیت است. بر این اساس مفهوم عزاداری در چهلمین روز علاوه بر ریشه باستانی، مفاهیم اسلامی را نیز به خود گرفت و تا به امروز به قوت خود پابرجاست. این رسم‌ها و آیین‌ها در میان مردم ایران پابرجا باقی ماند و حتی با ورود دین اسلام نیز از اهمیت و رونق آن کم نشد و حتی به واسطه اهمیت احترام به اموات به خصوص پدر و مادر، در دین اسلام نیز جلوه تازه تری به خود گرفت. تأکید پیامبر اسلام بر تسلیت گفتن و دلداری دادن به مصیبت زدگان و توصیه ایشان بر سه روز

۷. دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین ایرانی تبار بودند که قدمتشان به پیش از هخامنشیان برمی‌گردد. آن‌ها در درازای تاریخی از درون آسیای میانه یعنی از ترکستان چین تا دریای آرال و خود ایران و از این نواحی با فاصله‌هایی تا رود دُن و از این رود تا رود عظیم دانوب پراکنده بودند. در بخش‌های مختلف این صفحات وسیع و دشت‌های پهناور نام آن‌ها تغییر می‌کرد (آلان‌ها، سکی‌ها، ماساژت‌ها) (<https://fa.wikipedia.org>).

عزاداری بر مرگ عزیزان و همچنین مژدهٔ اجر و صواب بهشتی به افرادی که در تدفین و عزاداری شرکت می کنند، جملگی بر رونق بیش از پیش آیین های سوگواری افزودند (رییس السادات، ۱۳۹۰: ۳۸).

قالی و فرهنگ

قالی از مهم ترین هنرهای سنتی، تاریخی و فرهنگی ایران است که نه تنها هنری بسیار کاربردی است بلکه به واسطهٔ انتقال نقش ها و نمادها از بستر تاریخ در مقام هنری اصیل، نمایانگر آیین ها و اعتقادات کهن ملی است. «هنرمندان ایران از دیرباز سعی در به تصویر کردن دنیای پیرامون و دنیای اعتقادات خود داشته اند و این نکته به راحتی از تطبیق و مقایسهٔ برخی نقش های قالی با سفالینه های چند هزار سالهٔ ایران به دست می آید. برخی از این چنین نقش ها را می توان در نمادهای رمزی و اسطوره ای آب و باران بر سفالینه های تمدن شوش مشاهده کرد» (پرهام، ۱۳۷۸: ۴۴) در این میان قالی های عشایری و روستایی، تصویری قدیمی تر از دستبافت های ایران به نمایش می گذارند و با داشتن طرح ها و نقوش هندسی جلوه ای بسیار نزدیک تر به نقوش باستانی دارند (تصویر ۲). معمولاً موضوع طرح های فرش نیز با اسطوره ها آمیخته است چه اسطوره های ساده و تجریدی از دوران کهن که در نقوشی هندسی آشکار می شدند و چه اساطیری که در نقش هایی ملموس تر چون انسان یا حیوانات و موجودات افسانه ای دیده می شوند. «نقش مایه های فرش ایران دارای ریشه ها و مفاهیم اسطوره ای هستند که از ادب پارسی برگرفته شده و از حیث شکل به انواع گیاهی، جانوری و ... تقسیم می شوند» (معین الدینی و مهرابی زاده، ۱۳۸۸: ۲۴۵).



تصویر ۲. یک قالی با نقوش طبیعی، طرح
خشتی (نصیری، ۱۳۸۹: ۸۰)

این چنین جریان داشتن نمادها، اساطیر و رمزهای فرهنگی در متن قالی تا دوره های اخیر نیز در فرش دیده می شود. برای مثال، تجلی مفهوم بهشت اگرچه قرن ها قبل از اسلام در اندیشه و اعتقادات ایرانیان حضور داشته است اما با ظهور اسلام به شکل بارزتری مطرح و بر آن تأکید شد. زیباترین جلوه های باغ بهشت در قالی های قاجار دیده می شوند «بهشت در اندیشه هنرمند قاجار است که با عناصر نمادین درخت طوبی، حوض کوثر و طاووس، تصویر و جلوه یافته است و بهشت بسیار قدسی و منزه در قالی های این دوره به تصویر کشیده شده است» (شایسته فر و صباغپور، ۱۳۸۸: ۴۶). در حقیقت قالی ایران نقوشی را به نمایش می گذارد که انعکاسی از طبیعت و دنیای اطراف است، برای مثال به جای تصویر کردن رئالیستی گل ها و گیاهان، آن ها را در اشکال اساطیری چون گل نیلوفر که به گل های شاه عباسی تبدیل شده اند، نشان می دهد یا چرخش ساقه های گیاهان که

بر اساس حرکت حلزونی بر پایه مفاهیم معنوی و عرفانی نقش شده اند. علاوه بر نقوش طبیعت، نمادها و نشانه هایی را نیز به نمایش می گذارد که ریشه در اساطیر و تاریخ باستان دارند. با تکیه بر پژوهش ها و تألیفات بسیار در این زمینه، این نکته قابل بیان است که قالی ایران محملی است از گنجینه آیین ها و باورهای کهن و فرهنگ و رسوم این سرزمین که در قالب تصاویر و نقوش نمادین تجلی یافته اند.

همچنین قالی دارای مفاهیم دیگری در فرهنگ و خصوصا ادبیات ایران است و فقط یک کفپوش که گهگاه با مفاهیم انسانی و اخلاقی همراه می شود، نیست. از موارد مهم این مطلب می توان به اشعار، ضرب المثل ها و ادبیات عامیانه اشاره کرد که از قالی به معناهای متفاوتی استفاده شده است. برای مثال می توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

"قالی را به پشتش می خرنند" ضرب المثل مشهدی از زبان یکی از مصاحبه شوندگان کنایه از اینکه به ظاهر توجه نکن، اهمیت در ورای ظاهر است. "قالی هرچه بیشتر پا بخورد گران تر می شود" ضرب المثل کرمانی کنایه از بالا رفتن سن و تجربه است که ارزش انسانی را نیز بالا می برد و "ننگ ارباب زیر قالی است و ننگ رعیت سر درخت" ضرب المثل سمنانی کنایه از ظلم استبداد و مظلومیت مظلومان (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۵ و ۲۶۹). و شعرهای بسیاری که درباره قالی سروده شده است که البته در برخی موارد قالی در معنایی استعاری به کار رفته است.

او برای قوت خود زنبیل بافت نه چو تو، قالی با قال و قیل بافت (عطارد)

ای زهد فروشنده تو قال و مقالی با مرکب و با زین و سندس و قالی (ناصر خسرو)



تصویر ۳. پهن کردن قالی روی قبر، آیین سوگواری خراسان منبع: <http://www.nasimeqaen.ir>

بافت و تولید قالی خود به تنهایی یک فرهنگ خاص و مستقل را در سراسر ایران به وجود آورده است، برای مثال، چیدن و ریسیدن پشم‌ها که با فنون مخصوص خود با ترانه‌های عامیانه و سینه‌به‌سینه نقل شده‌اند هنرمندان همراه می‌شد، رنگرزی و دارکشی نیز با توجه به نوع کاربرد قالی (برای مثال جهیزیه عروس) اشعار خاص خود را داشته است. بافندگان بسیاری در جای‌جای کشور هنگام بافتن و گره‌زدن ترانه‌هایی را می‌خوانند که جزء پایدار این گونه فرهنگ محسوب می‌شوند.

دوباره دار قالی دار قالی دل مو بود و جونم تار قالی
یکی سبز و یکی سرخ و یکی زرد که غرق گل بشه گلزار قالی (میرزا امینی، ۱۳۹۷)

قالی نه تنها لوحه ای تصویری از فرهنگ و تاریخ است بلکه خود تبدیل به یک نماد و جریان فرهنگی شده است. قالی ایرانی نمادی از هویت ملی ست و هر جا که بر هویت و فرهنگی ایرانی تأکید می شود بی تردید جلوه ای هنری از آن را با قالی نشان می دهند. «خصوصیت فرش این است که هر جایی را جایی می کند (هویت به مکان می دهد) در وسط یک بیابان جای نشستن را، جای سفره انداختن را، بالا و پایین مجلس، جای ظرف میوه و ... را قالی به ما حکم می کند. خیلی خاصیتها در فرش وجود دارد» (بهشتی، ۱۳۹۵).

قالی در آیین سوگواری خراسان

آیین های سوگواری خراسان تقریباً مشابه دیگر نقاط کشور است و تنها در مواردی خاص متفاوت می نماید از مهم ترین این تفاوت ها یکی برگزاری آیین چراغ برات در سه شب نیمه شعبان است که یادگاری است از دوران باستان و هم ریشه با عقاید ایرانیان زرتشتی و مبنی بر این ادعا که طی سه روز مشخص در ماه فروردین، تقدیر یک ساله انسان ها رقم می خورد؛ تقریباً مشابه با شب های قدر در تعاریف اسلامی. خراسانی ها طی سال ها و نسل ها وارثین این آیین کهن و باستانی باقی ماندند آن ها طی این سه روز که بعد از اسلام مقارن شده است با سه شب سیزده، چهارده و پانزدهم شعبان به زیارت قبور می روند، خیرات می دهند و در این سه روز و سه شب نیز در خانه چراغی را به طور مداوم روشن نگاه می دارند، چرا که معتقدند روح درگذشتگان به خانه نزدیکان خود می آید. روشنایی چراغ به معنای زنده نگه داشتن یاد و خاطرات اموات است (سیدی، ۱۳۷۴: ۶۵). یکی

دیگر از این آیین ها، پهن کردن قالی بر سر قبر در روزهای مناسبتی پس از درگذشت متوفی است. در خراسان پس از درگذشت متوفی، عزاداری و برگزاری مجالس پرسه، در روز سوم، هفتم، چهلم و سالگرد اول، اقوام و آشنایان و دوستان برای همدردی با بازماندگان و شرکت در صواب زیارت اهل قبور خاصه شخصی که تازه در گذشته است بر سر قبر وی گرد هم می آیند.



تصویر ۴. قالی بر قبر نمادی از خانه ابدی متوفی منبع: <http://www.yarekhorasani.ir>

خانواده متوفی با پهن کردن روی اندازی بر قبر که در غالب موارد قالی است و با خرما و حلوا و گل و میوه آن را تزئین می کنند، سعی در بیان تشکر و پذیرایی از مهمانان را دارند. «..... گور از تزئین و تشریف بی بهره نمی ماند، به فراخور مال و مکتب صاحب آن و متناسب با تازگی یا کهنگی زمان درگذشت مرده، با یک قالی یا گلیم یا پارچه ای از حلوا و شمع و گل و خرما آرایش می یابد» (سیدی، ۱۳۷۴: ۶۶) (تصاویر ۳ و ۴).

آیین پهن کردن قالی بر روی قبر در خراسان، مانند بسیاری از سنن دیگر که رو به فراموشی می روند روز به روز کم رنگ تر می شود تا جایی که امروزه افراد زیادی از نسل جوان از وجود چنین آیینی بی اطلاع هستند و غافل از اینکه مفهوم و معنای دیرینه ای در پی دارد. البته تغییرات سبک زندگی، آیین های سوگواری را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد برای مثال سنگ های زیبا و گران قیمت که با اشعار و متون و حتی عکس متوفی بر روی قبر نصب می شود خود دلیلی است بر پهن نکردن قالی، همچنین تنوع فرش ها و روفرشی های ماشینی و راحتی در حمل و نقل آن ها و البته نفوذ فرهنگ های غربی مانند چیدن میز و صندلی بر کم رنگ شدن حضور قالی دستباف بر قبر، تأثیر گذار است. اما باز هم در مواردی محدود به خصوص در روستاها، این آیین با همان اهمیت و تأکید بر پهن کردن خود قالی دستباف، همچنان پابرجاست.

واکاوی مفهومی نقش قالی بر قبر

از آن جا که در این زمینه پیشینه و سابقه مکتوب به دست نگارندگان نیامده است و در ارتباط با فرهنگ، آیین ها و تاریخ خراسان و همچنین ادبیات فولکلوریک اشاره ای مستند به این آیین نشده است، لذا از نبود منابع مکتوب به مصاحبه و کسب اطلاعات از تعدادی سالخوردگان و سالمندان اهل خراسان (ساکن در مشهد، قاینات، روستای حصار طرهبه و روستاهای سرگدار، جلال و میاندهی شهرستان فریمان) که جملگی از این سنت به احترام یاد کردند و از اهمیت آن گفتند، پرداخته شده است که در نهایت آرا و نظریات یکسان و قابل توجهی به دست آمد که در نوع خود پیش قدم است، برخی از مصاحبه شوندگان افرادی بسیار عامی و حتی بی سواد بودند که تنها به روایت شفاهی این آیین بسنده می

کردند لذا در قالب پرسش هایی که می شد جواب هایی به دست آمد که نکات جذاب و جالبی را گوشزد می کردند:

• **"قالی به مثابه یک سفره بر سر قبر پهن می شود":** سفره در باورها و فرهنگ

ایرانیان جایگاه مشخصی دارد مانند سفره هفت سین، سفره عقد یا سفره نذورات و سفره عزا. در همه سنت ها معنایی از برکت و رحمت الهی و نشان از رزق و روزی خداوند است. گرامی داشتن سفره با احترام گذاشتن به افراد حاضر بر آن مانند کهنسالان همراه می شود حال قالی به عنوان سفره ای قلمداد می شود با خوراکی های رایج برای مهمانان که لطف معنوی آن هدیه ای است به متوفی برای سفر اخروی و این نکته که با سفره عزا فرق می کند. همچنین علاوه بر پوشاندگی، جلوه ای محترمانه نیز به قبر می دهد.

• **"قالی نشانی از شأن و منزلت و تمکن مالی متوفی":** هر خانواده ای با هر سطح

اجتماعی و توان اقتصادی سعی در تهیه قالی می کردند تا این رسم هرچه آبرومندتر برگزار شود و به اصطلاح عامیانه "قبر لخت نماند". بر قبر ارباب یا ثروتمندان قالی های گران قیمت و با ارزش پهن می شد تا نشانی از جایگاه اجتماعی و اقتصادی متوفی باشد. حتی ساده ترین و کم توان ترین افراد از لحاظ اقتصادی سعی بر پوشاندن قبر با قالی داشتند. به گفته یک فرد روستایی از توابع فریمان، که از دوران کودکی به یاد داشته است، شخصی سالخورده و فقیر در روستا فوت می کند و اهالی روستا که همیشه به وی کمک می کردند مجلس عزای او را نیز با احترام و عزت برگزار کردند و بر سر قبر او یکی از قالی های مسجد روستا پهن شد تا از این آیین بی نصیب نماند. شاید این عمل حامل این عقیده نیز باشد که مسجد خانه خداست و همانگونه که مسجد محل امن بندگان اوست مستمندان نیز

می توانند از قالی مسجد در حد و حدود عرف خود، بهره ببرند. در این آیین این نکته بسیار مهم است که ارزش قالی های پهن شده بر روی قبرها بعد از اجرای آیین، نه تنها کم نمی شود و مفهوم و جایگاه متفاوتی به خود نمی گیرند بلکه برای اعضای خانواده و بازماندگان ارزشی معنوی و موروثی پیدا می کند برای مثال قالی ای که روی قبر پدر بزرگ و مادر بزرگ پهن می شود ارزشی خانوادگی همراه با اصالت پایبندی به این آیین، پیدا می کند. برای مثال، در کتاب "شناخت مبانی فرش" استاد تورج ژوله از "فرش گور" نام می برد که پس از پهن شدن بر قبر تکه تکه می شود و هر قطعه به شخصی داده می شود که احتمالاً برای دفع چشم زخم و انفاق و صدقه انجام می شده است (ژوله، ۱۳۹۲: ۴۵). در حقیقت پس از این آیین قالی از بین می رود و احتمالاً مفهوم آن نیز تغییر میکند و بدیمن می شود ولی در خراسان به هیچ وجه برخوردی این چنینی با قالی نمی شود و پس از اجرای این آیین به نقش قبلی خود (کفپوش) بر می گردد.

• **"قالی با هر طرح و نقش ولی مناسب با اندازه قبر":** در این آیین قاعده یا اصولی بر طرح و نقش یا رنگ قالی مورد استفاده وجود ندارد، ولی بهتر آن است که اندازه آن با قبر تناسب داشته باشد. به احتمال فراوان، که مصاحبه شوندگان نیز بر آن تأکید داشتند این قالی از قالی های دستباف قومی خود متوفی انتخاب می شود، برای مثال، در مناطقی از خراسان که بلوچ ها اقامت دارند و قالی بلوچ خراسان به واسطه آن ها شهرت یافته است، هنگامی که یک بلوچ فوت می شد قالی بلوچ بر سر قبر او پهن می کردند یا اگر از مناطق خراسان جنوبی مانند قاینات کسی فوت کند قالی منطقه خودش را بر روی قبرش پهن می کنند البته ناگفته نماند که این نکته از موارد حتمی و اجباری نبوده و گاهی تأکیدی ضمنی بوده است. ابعاد قالی

نیز تا حدودی تحت قاعده بود، قالی باید نزدیک به ابعاد یک قبر باشد نه کمتر و نه بیشتر. اما گاه قالی های بزرگتری نیز پهن می شوند که افراد بر روی آن در گرداگرد قبر می نشینند که با اصل آیین سنخیتی ندارد چرا که نشستن بر روی قالی که حکم سفره را دارد و دارای حرمت خاصی ست، صحیح نبوده است. در احکام شرعی مربوط به قبر فرد مسلمان، سطح قبر باید به اندازه یک کف دست (بیست سانتی متر) بالاتر از سطح زمین باشد لذا قالی ای که بر روی قبر پهن می شود باید رویه قبر و نهایت ارتفاع آن از زمین را بپوشاند.

- **"قالی نماد خانه ابدی":** قالی همواره به عنوان اصیل ترین کفپوش ایرانی در تمام نقاط کشور وجود داشته و نمادی از خانه های ایرانیان است. در معماری خاص ایرانی که فضای اندرونی و مهمان خانه و حیاط از یکدیگر جدا بودند، مهمان خانه دارای بیشترین اهمیت بود و مناسب ترین قسمت خانه و بهترین تزیینات و وسایل مثل قالی، متکی، تشک، کناره، پرده های گلدوزی شده و آفتابه لگن دست شوری به آن تعلق داشت. قالی به عنوان مهم ترین وسیله خانه در فرهنگ ایرانی نشان و نمادی از خانه های ایرانیان است. حال قالی بر سر قبر در این آیین، یادآور خانه‌ی متوفی است، نکته ای که بیش از دیگر موارد در این پژوهش، مهم و با مفهوم می‌نماید.



تصویر ۵. قالی بر قبر نمادی از خانه ابدی متوفی منبع: <http://www.yarekhorasani.ir>

شاید ذکر این نکته که در تاریخ بیهقی واحد شمارش قالی "خانه" بوده است جالب باشد: « از هدایای علی بن عیسی از خراسان به هارون الرشید دوست خانه قالی بود» همچنین اندازه قالی ها در ایران کاملاً منطبق بر ساختار معماری داخلی اتاق ها بوده است برای مثال اندازه های سه در چهار یا دو در سه، اندازه و ابعاد اتاق ها بوده اند (حشمتی رضوی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). بنابراین از این موارد مذکور می توان یک ارتباط نمادین و مفهومی بین "خانه" و "قالی" را استنباط کرد. یک خانه در فرهنگ ایرانی با قالی تصویر می شود و قالی خود نشانی ست از خانه های ایران (تصویر ۵).

خراسانی ها با دیدن قالی بر سر قبر متوفی، این حقیقت در قالبی پنهان و نمادین برای شان تداعی می شود که خانه وی جا به جا شده و نقل مکان کرده است و این مفهوم به ذهن می آید که خانه عزیز از دست رفته، از شور و حیات شهر و روستا به سکوت و خاموشی قبرستان آمده است و دیگر میزبانش در جمع دوستان و آشنایان نیست. (این نکته ذکر می شود که در قدیم قاب عکس یا آگهی ترحیم رایج نبوده است، لذا این قالی برای اقوام و آشنایان شاید به نوعی یک آگهی نیز محسوب می شده است). قالی پهن شده بر

قبر نماد خانه جدید متوفی است و آخرین نقشی است که قالی در زندگی او ایفا می کند (از بدو تولد تا تکه ای از جهیزیه و سرمایه ای مالی) و در آخر منزلی می شود برای خدا حافظی با این دنیا و خانواده و دوستان. رسوم و سنت هایی نانوشته که سینه به سینه منتقل شده اند و از سوگ و ناله های مشترک خبر می دهند که چون ابیات یا دل ناله هایی به هنگام پهن کردن قالی و یا دیدن آن بر قبر این چنین بر زبان بازماندگان زمزمه می شود که می توان جزئی از ضرب المثل ها یا اشعار فولکلوریک دانست که متأسفانه در کتاب یا متنی تا کنون مکتوب نشده اند:

خانه نو مبارک خانه ات نورانی....

خانه ام خراب که خانه ات قبر شد....

به خانه ات آدم عزیز مهمان نوازم، کجایی؟

تو سر بر فرش خاک گذاشتی و من سر بر فرش قبرت.... الهی کور می شدم و قالی بر قبرت نمی دیدم....

نتیجه گیری

آن چه در پی این پژوهش به دست آمده است، نقش قالی بر روی قبر و مفاهیم و معانی این آیین نمادین در سوگواری های مردم خراسان است. قسمت اعظم و اهم این یافته ها به صورت میدانی از زبان افراد سالخورده و آگاه به فرهنگ بومی جمع آوری شده است که با از دست دادن آن ها بسیاری از سنن کهن و با ارزش فراموش خواهند شد. آیین پهن کردن قالی بر روی قبر علاوه بر نقش پوشانندگی، دارای مفاهیم نمادین در قلب و ذهن اهالی قدیم خراسان است. با توجه به این نکته که هر کدام از موارد موجود در آیین سوگواری دارای معنا و ریشه ای تاریخی و اجتماعی است، پهن کردن قالی بر روی قبر نیز دارای

مفهوم است. قالی به عنوان یک اثر هنری که خود نمایانگر طرح ها و نقوش نمادین و پرمعناست در این آیین خود به تنهایی تبدیل به یک فرهنگ می شود. قالی هم به عنوان یک فرش و هم به عنوان یک سفره، یادآور خانه در معنای کلی خود می شود. خانه ای که شخص در آن در ایام حیات زندگی می کرده است و در آن دید و بازدید ها، عیادت ها، احوالپرسی ها و جشن ها و عزاداری ها انجام می شده است و همچنین خانه ای که بعد از مرگ، پیکر او برای همیشه در آن جای می گیرد و شور و حیات تبدیل به خاموشی می شود. اجرای این آیین نشانی است از جا به جایی خانه شخص فوت شده، و قالی بر روی قبر هم یاد و نشانی است از خانه زمان حیات وی و هم نمادی است از خانه ی جدید که منزل ابدی اوست.

فهرست منابع

- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۹۵). *رمز و راز عدد چهل در متون دینی*. بازیابی شده در تاریخ ۳۰ آذر از <http://www.akharinkhabar.ir/interestings/۳۱۰۰۷۳۸>
- برنجی، سلیم (۱۳۶۷)، *قوم از یاد رفته: کاوشی درباره قوم صابئین مندائی*، تهران: دنیای کتاب.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۵)، *فرش آینه تمام نمای فرهنگ ایرانی است*. بازیابی شده در تاریخ ۲۸ آذر از <http://www.isna.ir/news/۹۵۰۹۲۸۱۷۴۶۹>
- پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، *جلوه های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران*، نشر دانش، شماره ۱، صص ۴۰ - ۴۷.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲)، *فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی*، تهران: نشر علم.
- ژوله، تورج (۱۳۹۲)، *شناخت فرش برخی مبانی نظری و زیرساخت های فکری*، تهران: یساوولی.

- چایچی امیر خیز، احمد و سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۱)، *نگاهی به تدفین تابوتی در ایران باستان*، تهران: سمیرا.
- حشمتی رضوی، فضل الله (۱۳۹۳)، *تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش بافی ایران*، تهران: سمت.
- رییس السادات، تهمنه (۱۳۹۰)، ریشه شناسی سه روز مراسم سوگواری در ایران قرون نخست هجری، *تاریخ پژوهی*، شماره ۴۹، صص ۳۳ - ۴۸.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۴)، *چراغ برات خراسان فروردگان باستان*، مشهد: نشر پاژ.
- شایسته فر، مهناز و صباغپور، طیبه (۱۳۸۸)، انعکاس جلوه های بهشت در قالی های قاجار بر اساس منابع اسلامی، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۳۶، صص ۴۰ - ۵۱.
- کرباسیان، ملیحه (۱۳۸۴)، تداوم برخی آیین های کهن سوگواری در ایران امروز، *نامه انجمن*، شماره ۹، صص ۱۷۷ - ۱۸۸.
- معین الدینی، فاطمه و مهرابی زاده، مالیا (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی نقش اسطوره در ادبیات فارسی و در طرح و نقش فرش ایرانی، *مطالعات ایرانی*، شماره ۱۵، صص ۲۳۹ - ۲۵۸.
- مهدی زاده، علی (۱۳۷۹)، مرگ و مراسم تدفین در دین مزدایی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴، صص ۳۵۳ - ۳۷۰.
- میرزا امینی، سید محمد مهدی (۱۳۹۷)، اشعار محلی شیرازی به نقل از حجت الله حسینی میر آبادی {یادداشت ویلاگ}، بازیابی شده در تاریخ ۱۸ آبان از http://www.mirzacarpet.blog.ir/category/taraehaye_qali
- نصیری، محمد جواد (۱۳۸۹)، *افسانه جاویدان فرش ایران*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۸۳)، *دین های ایران باستان*، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- <https://www.vajehyab.com/>چینود
- <https://www.fa.wikipedia.org/wiki/ستودان>
- <http://www.nasimeqaen.ir/item/7520> تصاویر چراغ برات جلوه ای خاص و ناب از فرهنگ در قاین
- <http://www.yarekhorasani.ir/201506/> آیین سنتی چراغ برات در روستای خلیل آباد